

## Designing the Entrepreneurial Ecosystem Model in Competitive Industries

■ **Vajihe Baghersad**

*Department of management . Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran University, Shiraz, Iran*

■ **Taraneh Farokhmanesh**\*

*Faculty of Family science , University of Tehran*



Receive date: 03 February 2024, Revise date: 24 May 2024, & Accept date: 06 July 2024

[10.22034/jtd.2025.2022029.1913](https://doi.org/10.22034/jtd.2025.2022029.1913)

### ABSTRACT

Creating an entrepreneurial ecosystem is one of the strategies for economic development that can facilitate business growth, innovation, job creation, increased competitiveness, and sustainable development by establishing conducive conditions. Ecosystems comprise concentrated cultural perspectives, social networks, financial support, universities, and active economic policies that foster supportive environments. Efficient ecosystems facilitate the identification of entrepreneurial opportunities and encourage a direction towards competitiveness. Emphasis on competitiveness stems from the fact that companies operating in competitive markets produce higher quality, quantity, and more affordable products, thus paying more attention to market development and exports.

The objective of this research is to design a model of the entrepreneurial ecosystem in competitive industries. This study employs a systematic approach and grounded theory methodology. The selection of competitive industries was based on the Herfindahl-Hirschman Index, and ultimately, two industries were chosen: pharmaceuticals and food. Data were collected through 17 interviews with entrepreneurs in competitive industries, utilizing open, axial, and selective coding techniques. Finally, the research paradigm model encompassing primary conditions, contextual factors, intervening conditions, canonical variables, strategies, and consequences was presented. This study aids in understanding the entrepreneurial ecosystem by identifying key factors and their interactions, providing insights for policymakers, entrepreneurs, and stakeholders to create a conducive environment for entrepreneurship and promote competitiveness.

### Keywords:

Competitiveness, Ecosystem, Entrepreneurial ecosystem, Entrepreneurship, Grounded theory Paradigmatic Model.

\* Corresponding Author

<sup>+</sup> Email: [Tfarrokh@ut.ac.ir](mailto:Tfarrokh@ut.ac.ir)

۱۷	شماره شصت، تابستان ۱۴۰۴	فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی	<a href="https://jtd.iranjournals.ir/">https://jtd.iranjournals.ir/</a>
----	-------------------------	------------------------------	---

**How to cite:** Baghersad, V., Farrokhmanesh, T. (2025), Designing the Entrepreneurial Ecosystem Model in Competitive Industries, Quarterly journal of Industrial Technology Development, 23(60), 17-

طراحی مدل اکوسیستم کارآفرینی در صنایع  
رقابتی■ وجیه باقرصاد<sup>۱</sup>

گروه مدیریت، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران

■ ترانه فرخ منش<sup>۲\*</sup>

عضو هیئت علمی دانشکده علوم خانواده دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۳/۴ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۶

صفحات: ۳۲-۱۷

[10.22034/jtd.2025.2022029.1913](https://doi.org/10.22034/jtd.2025.2022029.1913)

## چکیده

ایجاد اکوسیستم کارآفرینی یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی است که می‌تواند با ایجاد شرایط مناسب زمینه رشد و نوآوری کسب و کارها، اشتغال‌زایی، افزایش رقابت‌پذیری و توسعه پایدار را تسهیل کند. اکوسیستم‌ها مجموعه‌ای از دورنماهای فرهنگی متمرکز، شبکه‌های اجتماعی، حمایت مالی، دانشگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی فعالی هستند که محیط‌های حمایتی را خلق می‌کند. در صورتیکه اکوسیستم‌ها کارآمد باشند، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه و جهت‌گیری به سوی رقابت‌پذیری تسهیل می‌گردد. دلیل تاکید بر رقابت‌پذیری آنست که شرکت‌هایی که در بازارهای رقابتی فعالیت می‌کنند، محصولات آنها با کیفیت و کمیت بالاتر و ارزان‌تر تولید شده و به توسعه بازار و صادرات توجه بیشتری دارند. هدف پژوهش حاضر طراحی مدل اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی است. این مطالعه دارای رویکرد سیستماتیک و روش‌شناسی نظریه گراند تئوری است. به‌منظور انتخاب صنایع رقابتی از شاخص هرفیندال هیرشمن استفاده گردید و در نهایت دو صنعت انتخاب گردید. برای گردآوری داده‌ها ۱۷ مصاحبه با کارآفرینان در صنایع رقابت‌پذیر شامل صنعت دارویی و مواد غذایی با استفاده از تکنیک‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در نهایت مدل پارادایمی پژوهش شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، مقوله‌های کانونی، راهبردها و پیامدها ارائه شد. این مطالعه با شناسایی عوامل اصلی و تعاملات آنها به درک اکوسیستم کارآفرینی کمک می‌کند و بینش‌هایی را برای سیاست‌گذاران، کارآفرینان و ذی‌نفعان فراهم می‌کند تا محیطی مساعد برای کارآفرینی و ترویج رقابت‌پذیری ایجاد کنند.

واژگان کلیدی: اکوسیستم، اکوسیستم کارآفرینی، رقابت‌پذیری، کارآفرینی، گراند تئوری، مدل پارادایمی.

۱ آدرس پست الکترونیکی: [Vbaghersad@tvu.ac.ir](mailto:Vbaghersad@tvu.ac.ir)

\* عهده دار مکاتبات

+ آدرس پست الکترونیکی: [Tfarrokh@ut.ac.ir](mailto:Tfarrokh@ut.ac.ir)<https://jtd.iranjournals.ir/>

## ۱- مقدمه

این تحقیق به پیشرفت دانش نظری و تجربی در مورد اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابت پذیر کمک می کند و بینش ها و توصیه های عملی را برای سیاست گذاران و دست اندرکارانی که هدفشان تقویت و حمایت از کارآفرینی و دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و ایجاد بازارهای رقابتی است، ارائه می کند.

این تحقیق با هدف طراحی یک مدل اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی انجام شده است. انجام این تحقیق به دلایل زیر توصیه می شود:

۱. اکوسیستم های کارآفرینی برای رشد اقتصادی، ایجاد شغل و نوآوری حیاتی هستند. با این حال، مطالعات موجود اغلب بر زمینه های عمومی و کلی تمرکز می کنند و از مزیت های رقابت پذیری غفلت می کنند؛

۲. رقابت پذیری صنایع به تولید محصولات با کیفیت بالاتر اشاره دارد که می تواند در شکل گیری فعالیت های کارآفرینانه مولد موثر باشد (Chursin et al., 2015)

۳. رشد نامتوازن اشتغال و کارآفرینی در مناطق مختلف یکی از دلایل تفاوت در ساختار صنعتی و رقابت صنعتی نسبت داده می شود (Luo et al., 2023). یکی از نتایج عدم تمرکز بر رقابت پذیری می تواند افت کیفی محصولات و عدم امکان صادرات آنها و تمرکز بر بازار داخلی باشد (Chursin et al., 2015)

۴. رقابت پذیری صنعت، پایه و اساس رقابت پذیری یکپارچه یک کشور است (Kvålseth, 2022). شرکت هایی که در بازارهای رقابتی فعالیت می کنند، محصولات آنها با کیفیت و کمیت بالاتر و ارزان تر تولید شده و به توسعه بازار و صادرات توجه بیشتری دارند (Baghesad et al., 2013, Soto-Rodriguez, 2014). به بیان دیگر، رقابت پذیری به عنوان یک هدف و خروجی در اکوسیستم کارآفرینی اهمیت دارد (Davari et al., 2024). بنابراین تمرکز بر اکوسیستم های کارآفرینانه رقابت پذیر در اصل بر ارتقا عملکرد کلی صنعت کمک می کند؛

۵. سیاست گذاران برای ارتقای کارآفرینی به رویکردهای مشخص نیاز دارند. این پژوهش بر مدلی از اکوسیستم تمرکز می کند که رقابت پذیری را افزایش می دهد و به توسعه اقتصادی پایدار کمک می کند.

این پژوهش به دلیل تمرکز منحصر به فرد بر صنایع رقابتی در چارچوب اکوسیستم های کارآفرینی از سایر مقالات متمایز است. در حالی که مطالعات موجود اکوسیستم های کارآفرینی را به طور گسترده تری بررسی می کنند، این پژوهش به طور خاص به روش کیفی، به پیچیدگی های بخش های رقابتی می پردازد و با محدود

توسعه فعالیت های کارآفرینانه منجر به رشد و توسعه اقتصادی مناطق و کشورها می شود (Baghesad et al., 2013, Davari et al., 2017, & Baghersad et al., 2021). کارآفرینی محرک اصلی رشد اقتصادی، نوآوری و رقابت پذیری در دنیای مدرن است (Wennekers & Thurik, 1999) و شامل ایجاد و توسعه مشاغل جدیدی است که محصولات یا خدمات جدیدی را در شرایط رقابتی ارائه می دهند یا از بازارها یا فناوری های جدید بهره برداری می کند. با این حال کارآفرینی در خلاء رخ نمی دهد (Davari, Akbari, Baghersad, & Rezvani, 2024). توسعه کارآفرینی به یک سیستم پیچیده و پویا از عوامل و بازیگرانی بستگی دارد که بر یکدیگر تاثیر می گذارند و شرایط و فرصت هایی را برای فعالیت کارآفرینانه ایجاد می کنند (Davidsson et al., 2020). این سیستم به اکوسیستم کارآفرینی مشهور است و از عناصری مانند سیاست ها (Liguori et al., 2019)، نهادها، زیرساخت ها، فرهنگ، شبکه ها و سرمایه انسانی تشکیل شده است (Davari, Sefidbari, & Baghersad, 2017). اکوسیستم های کارآفرینی به مثابه توانمندسازهای بیرونی می توانند به توسعه و رقابت پذیری کمک کنند (Davidsson et al., 2020). مفهوم اکوسیستم کارآفرینی با تکیه بر دیدگاه های نظری و رویکردهای تجربی مختلف به طور گسترده در ادبیات کارآفرینی و سیاست گذاری مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی از نظریه ها مانند سیستم های نوآوری (Sumberg, 2005)، نظریه سیستم های نوآوری منطقه ای (Asheim et al., 2011)، نظریه اکوسیستم های کارآفرینی (Spigel et al., 2018) و نظریه سیستم های انطباقی پیچیده (Dooley, 1997) به تحلیل اکوسیستم کارآفرینی کمک می کنند. این نظریه ها چارچوب ها و ابزارهای مختلفی را برای درک و اندازه گیری مولفه ها، تعاملات و پویایی اکوسیستم کارآفرینی و ارزیابی عملکرد و تاثیر آن بر نتایج کارآفرینی ارائه می کنند. با وجود تحقیقات گسترده و متنوع در مورد اکوسیستم کارآفرینی، هنوز فقدان یک مدل جامع و منسجم که بتواند پیچیدگی و تنوع اکوسیستم کارآفرینی را به تصویر بکشد، مشاهده می گردد. در صورت وجود مدل های منسجم، دولت ها توانایی بیشتری در سیاست گذاری برای اکوسیستم های کارآفرینی با اهدافی مانند افزایش رقابت پذیری خواهند داشت (Davari et al., 2022). بر این اساس، هدف این تحقیق بررسی این موضوع است که یک اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی در برگیرنده چه مولفه هایی است؟

مدل پارادایمی از اکوسیستم کارآفرینی ارائه می‌شود که می‌تواند پیچیدگی و تنوع اکوسیستم را توضیح دهد و طراحی و اجرای سیاست‌ها و مداخلات موثر و متناسب با زمینه را هدایت کند. مدل اکوسیستم کارآفرینی مبتنی بر نظریه داده بنیاد دربرگیرنده شش عامل شامل مقوله‌های قانونی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها است. این پژوهش پل میان نظریه و عمل است، راهنمایی‌های عملی ارائه می‌دهد و به پیشرفت درک اکوسیستم‌های کارآفرینی در حوزه‌های رقابتی کمک می‌کند.

در ادامه، ابتدا مرور ادبیات بیان شده، سپس روش‌شناسی، نتایج حاصل از پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری بیان شده است و با ارائه پیشنهادات مرتبط با یافته‌ها و پیامدهای تحقیق به پایان می‌رسد.

## ۲- مبانی نظری

توسعه اقتصادی هر منطقه در سطح کلان تحت تاثیر اکوسیستم کارآفرینی آن منطقه است (Guerrero et al., 2021). اکوسیستم‌ها مجموعه‌ای از دورنماهای فرهنگی متمرکز، شبکه‌های اجتماعی، حمایت مالی، دانشگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی فعالی هستند که محیط‌های حمایتی کسب و کار مخاطره آمیز را خلق می‌کند (Davari et al., 2017, Spigel et al., 2018). به عبارتی، اکوسیستم کارآفرینی به مجموعه‌ای از بازیگران و عوامل وابسته اطلاق می‌شود که به گونه‌ای هماهنگ شده‌اند که کارآفرینی مولد را در یک منطقه جغرافیایی خاص ممکن می‌سازند (Banadaki et al., 2013). مطالعات در این حوزه، ابعاد مختلفی را برای اکوسیستم کارآفرینی معرفی کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کارآفرینان که نیروی محرکه اکوسیستم هستند و کسب و کارهای جدید را ایجاد و رهبری می‌کنند (Spigel et al., 2018). نیروی کار ماهر (Davari et al., 2017) که می‌تواند به رشد سرمایه گذاری‌های کارآفرینی کمک کند. دانشگاه‌ها در زمینه ایجاد دانش و مهارت نقش مهمی دارند (Baghersad et al., 2014, Stam et al., 2021). شبکه‌ها شامل مربیان، مشاوران و دیگر کارآفرینان هستند (Davari et al., 2017). منابع مالی و دسترسی به سرمایه و سازمان‌های تامین مالی که از رشد و توسعه استارت‌آپ‌ها حمایت می‌کنند (Davari et al., 2017). زیرساخت‌ها مانند انکوباتورها، شتابدهنده‌ها و موسسات آموزشی که محیط حمایتی را برای استارت‌آپ‌ها فراهم می‌کنند (Davari

کردن دامنه خود، درک کاملی از نحوه عملکرد پویایی کارآفرینی در صناعی که رقابت بالا ارائه می‌دهد.

هدف اصلی این پژوهش طراحی یک مدل اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی است. پیگیری این هدف به دلیل ضرورت این تحقیق است که عبارتند از:

۱. پرکردن شکاف تحقیق: اکوسیستم‌های کارآفرینی برای رشد اقتصادی، ایجاد شغل و نوآوری حیاتی هستند. با این حال، مطالعات موجود اغلب بر زمینه‌های گسترده تمرکز می‌کنند و از تفاوت‌های ظریف صنایع رقابتی غفلت می‌کنند. تحقیقات ما این شکاف را با بزرگنمایی در بخش‌هایی که رقابت شدید است پر می‌کند؛

۲. چالش‌های خاص صنایع: الف) رقابت شدید: شرکت‌ها برای سهم بازار به شدت رقابت می‌کنند؛ ب) اختلالات فناوری: نوآوری سریع است و بر مدل‌های کسب و کار تأثیر می‌گذارد؛ ج) محدودیت منابع: منابع کمیاب تخصیص راهبردی را می‌طلبد. درک این چالش‌ها برای سیاستگذاران و دست‌اندرکاران امری حیاتی است؛

۳. پیامدهای سیاستی: سیاست‌گذاران برای ارتقای کارآفرینی به راهبردهای هدفمند نیاز دارند. این پژوهش سیاست‌هایی را بیان می‌کند که رقابت‌پذیری را در بخش‌های خاص افزایش می‌دهد و با این کار به توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کند.

در مجموع، ضرورت این تحقیق از اهمیت روزافزون اکوسیستم‌های کارآفرینی در پیشبرد توسعه اقتصادی ناشی می‌شود. صنایع رقابتی نقش محوری در شکل دادن به شکوفایی یک کشور دارند و درک پویایی کارآفرینی آنها بسیار مهم است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند سیاستگذاران، دست‌اندرکاران صنعت و کارآفرینان را در مورد راهبردهایی برای تقویت نوآوری، رشد و انعطاف‌پذیری در بخش‌های رقابتی آگاه کند؛ به طوری که سیاست‌گذاران می‌توانند از مدل نهایی برای طراحی مداخلات هدفمندی که کارآفرینی در صنایع رقابتی را تقویت می‌کند، استفاده کنند. دست‌اندرکاران صنعت می‌توانند با درک اینکه کدام عناصر اکوسیستم رقابت را به پیش می‌برند، منابع را به طور موثرتری تخصیص دهند. کارآفرینان می‌توانند از شبکه‌های اکوسیستم برای دسترسی به دانش، بودجه و مشارکت استفاده کنند و در نهایت، یافته‌ها به رشد اقتصادی، ایجاد شغل و توسعه پایدار کمک می‌کند.

فرض اصلی این تحقیق آن است که اکوسیستم کارآفرینی یک سیستم پیچیده و پویا است که با استفاده از رویکرد پارادایمی و گراند تئوری قابل مدل‌سازی است. در نتیجه یک

کارآفرینانه، نقش مهمی در شکل‌دهی و پرورش این اکوسیستم‌ها ایفا می‌کنند (Yuan et al., 2021). اکوسیستم‌های کارآفرینی به افزایش ثروت و رفاه و همچنین تولید منافع اقتصادی، فناوری و اجتماعی کمک می‌کنند. اکوسیستم کارآفرینی ساختاری پویا و در حال تحول است و توسعه و پایداری آن نیازمند تلاش جمعی ذی‌نفعان مختلف از جمله کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران، موسسات آموزشی و ارائه‌دهندگان خدمات پشتیبانی است. ماهیت بهم پیوسته اکوسیستم، همکاری و اشتراک دانش را تسهیل می‌کند و در نهایت به رشد و موفقیت کلی سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینانه و رقابت پذیری در منطقه کمک می‌کند.

اکوسیستم‌های کارآفرینی، بهره‌وری و رقابت را افزایش می‌دهند و سهم بازار را برای استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های مستقر در صنعت افزایش می‌دهد (Alvedalen et al., 2017, Audretsch, 2018, Simatupang et al., 2015, & Malecki, 2018) و به توسعه نیروی کار محلی ماهر، رفع کمبود استعدادها و ایجاد محیط مناسب کمک می‌کنند. همچنین با معرفی فناوری‌ها، مدل‌های تجاری و محصولات جدید منجر به افزایش رقابت و سهم بازار برای استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های تاسیس شده در صنایع مختلف می‌شوند (Davari et al., 2023).

رقابت‌پذیری ابزاری برای رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار در کشورهاست و اگر کارآفرینان در اکوسیستم مناسبی قرار گیرند، منجر به بهبود عملکرد رقابتی آنان می‌شود (Baghersad et al., 2020). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل محیطی بر رقابت‌پذیری صنایع موثر است (Audretsch et al., 2019). اکوسیستم‌های کارآفرینی موفق با تامین منابع برای کارآفرینان در جهت راه اندازی و رشد کسب و کارها، نقش مهمی در رقابت پذیری دارند (Xu & Dobson, 2019). البته اکوسیستم‌های کارآفرینی در توسعه صنایع جدید با چالش‌های متعددی روبرو هستند. توسعه صنایع جدید اغلب به منابع قابل توجهی نیاز دارد. اکوسیستم‌های کارآفرینی ممکن است برای تامین این منابع به‌ویژه در مراحل اولیه توسعه دچار مشکل شوند. گاهی اجزا مختلف اکوسیستم‌های کارآفرینی در چندین نهاد مستقل و فاقد هماهنگی با یکدیگر قرار دارند و منجر به تکرار تلاش‌ها و یا از دست رفتن فرصت‌های همکاری و عدم هماهنگی شود (Cohen, 2006). همچنین ممکن است ساختار حمایتی لازم برای کمک به استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان، جهت عبور از چالش‌های توسعه صنایع جدید را نداشته باشند. پرداختن به این چالش‌ها مستلزم تلاشی هماهنگ از سوی ذینفعان مختلف از جمله دولت،

et al, 2017, Liguori et al., 2019, Trabskaja et al., 2019, & (Isenberg, 2011).

استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های در حال رشد در اکوسیستم‌های کارآفرینی فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد می‌کنند (Mason et al., 2014) که منجر به افزایش اشتغال، توسعه فناوری (Hoffecker, Ramos et al., 2023) و تقویت جوامع محلی می‌شود (Davari et al., 2021). اشتغال و دسترسی به فرصت‌های کسب و کار مطلوب از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود (Zahra et al., 2023) و بهره‌وری و رقابت را افزایش می‌دهد (Spigel et al., 2018). اکوسیستم‌های کارآفرینی با رفع کمبودها و ایجاد محیطی مساعد برای نوآوری و رشد اقتصادی کمک می‌کنند (Cohen, 2006).

اکوسیستم‌های کارآفرینی دسترسی به نتایج تحقیقات و فناوری را فراهم می‌کنند (Echeverri-Carroll et al., 2016) و با تامین نیروی انسانی و استعدادهای بیشتر و ایجاد تنوع، امکان تعاملات متقابل و شبکه‌سازی که منجر به ایده‌های جدید می‌شود را فراهم می‌کند. اکوسیستم‌های کارآمد همکاری و به اشتراک‌گذاری دانش را میان کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان تشویق می‌کنند (Chaudhary et al., 2024) و یک محیط حمایتی را فراهم می‌کنند که در آن کارآفرینان می‌توانند ریسک‌های حساب شده را بپذیرند و از شکست‌های خود درس بگیرند (Stam et al., 2016) و با ایجاد سیاست‌هایی که از کارآفرینی حمایت می‌کند، در رشد فناوری و نوآوری نقش داشته باشند. به‌عنوان مثال، سیاست‌هایی که مشوق‌های مالیاتی ارائه می‌کنند، تشریفات اداری را کاهش می‌دهند و دسترسی به سرمایه را ارتقا می‌دهند. لذا این اکوسیستم می‌تواند به کارآفرینان کمک کنند تا کسب‌وکار خود را نوآور کنند و رشد دهند (Hoffecker et al., 2023).

در واقع اکوسیستم کارآفرینی شبکه‌ای به هم پیوسته از بازیگران و عواملی است که از رشد و پایداری سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینانه (Feld & Hathaway, 2020) در یک منطقه خاص حمایت می‌کند. این مولفه‌ها شامل استارت‌آپ‌ها (De Jager et al., 2017)، شرکت‌های تاسیس‌شده، سیاست‌های دولت، دسترسی به سرمایه، زیرساخت‌های حمایتی، منابع انسانی ماهر و فرهنگ کارآفرینی (Audretsch et al., 2021) است که نه تنها نوآوری را تقویت می‌کند (Isenberg et al., 2016)، بلکه رشد اقتصادی را پیش می‌برند (Hofmann & Giones, 2019)، فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند و توسعه فناوری‌ها و محصولات جدید را تشویق می‌کند (Baqersad et al., 2012, & Mubarak, 2019). سیاست‌های دولت با ایجاد یک محیط نظارتی مساعد، دسترسی به منابع مالی و ارائه حمایت از فعالیت‌های

صنایع رقابتی انجام شد. هدف این پژوهش کاربردی و ماهیت آن کیفی و از نوع نظریه داده بنیاد<sup>۲</sup> است که یک روش تحقیق کیفی است که بر تولید سیستماتیک نظریه از داده‌هایی که به‌طور عمیقی در واقعیت تجربی زمینه تحقیق ریشه دارد تمرکز می‌کند. این روشی است که شامل فرآیندی دقیق از جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل برای شناسایی الگوها و روابط است و در نهایت با هدف توسعه نظریه‌ای که پدیده مورد مطالعه را توضیح می‌دهد.

به‌طور کلی سه نوع اصلی از نظریه پایه وجود دارد که هر کدام رویکرد و تمرکز منحصر به فرد خود را دارند (Sebastian, 2019):

۱. نظریه پایه کلاسیک<sup>۳</sup> (CGT): این شکل اصلی نظریه پایه است که توسط گلاسر و اشتراوس توسعه یافته است. بر کشف نظریه‌هایی که از خود داده‌ها بیرون می‌آیند، بدون اینکه تحت تاثیر نظریه‌های موجود یا عقاید از پیش ساخته شده باشند، تأکید می‌کند. محقق داده‌ها را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند، دسته‌ها و ویژگی‌های آنها را توسعه می‌دهد تا زمانی که یک مقوله اصلی که موضوع اصلی تحقیق را نشان می‌دهد، شناسایی شود؛

۲. نظریه مبانی سازنده<sup>۴</sup> (CGT): این رویکرد که توسط چارماز توسعه یافته است، نقش محقق را در تفسیر داده‌ها و ساختن نظریه تصدیق می‌کند. این نشان می‌دهد که هم داده‌ها و هم نظریه حاصل از تجربیات و روابط مشترک بین محقق و شرکت‌کنندگان ساخته شده‌اند؛

۳. نظریه پایه تکامل یافته<sup>۵</sup> (EGT): این رویکرد سیستماتیک‌تری است که ممکن است تئوری‌های موجود را برای ساختار دادن به داده‌های بدست آمده در طول تحقیق ترکیب کند. این یک نسخه اصلاح شده از رویکرد کلاسیک است و گاهی اوقات به‌عنوان روش اشتراوس و کوربین شناخته می‌شود.

هر نوع نظریه زمینه‌ای مجموعه‌ای از رویه‌ها و تکنیک‌های خاص خود را برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها دارد. اما همه آنها در هدف مشترک تولید یک نظریه که براساس داده‌های جمع‌آوری شده است، مشترک هستند. در این پژوهش از روش نظریه پایه کلاسیک<sup>۴</sup> (CGT) که به سبک اشتراوس<sup>۷</sup> است، برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. رویکرد داده بنیاد برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده

بخش خصوصی و موسسات دانشگاهی است (Chursin et al., 2015, & Szerb et al., 2019) که نیازمند مدیریت، رهبری و سیاستگذاری است. اکوسیستم کارآفرینی به همان اندازه که یک مفهوم آکادمیک است، یک ساختار سیاستگذاری است (Mason et al., 2014) که به نقش سیاست دولت (Liguori et al., 2019) در ایجاد اکوسیستم‌های کارآفرینی پویا برای ترویج کارآفرینی نوآور اشاره دارد. سیاست‌گذاران به دنبال توسعه ترکیب سیاست‌های موثر در اکوسیستم‌های کارآفرینی برای تسهیل رشد شرکت، توسعه سرمایه انسانی و حمایت بین‌المللی هستند (Hosseininia et al., 2021). در اکوسیستم کارآفرینی، رویکردهای سیاستی در طول زمان باید تکامل پیدا کنند (Audretsch et al., 2017, & Ghio et al., 2019).

موفقیت اکوسیستم‌ها به همبستگی ابعاد اکوسیستم کارآفرینی دارد تا شناسایی فرصت‌های کارآفرینی جدید تسهیل گردد (Soto-Rodriguez, 2014). اکوسیستم‌های کارآفرینانه برای رقابت‌پذیری باید متناسب با نیازهای منطقه‌ای یا نیازهای یک صنعت توسعه یابد (Asheim et al., 2011). از آنجا که بخش زیادی از مزیت رقابتی شرکت‌ها به منابع موجود در منطقه یا صنعت، اکوسیستم و منابع شرکت‌ها بستگی دارد (Groth et al., 2015)، لذا مطالعه اکوسیستم‌های کارآفرینی مسیر رشد کسب‌وکارها و رقابت‌پذیری را فراهم می‌کند (Jovanović et al., 2017) که در این پژوهش مورد توجه است.

رقابت‌پذیری صنایع به توانایی برای رقابت و تولید محصولات با کیفیت بالا که نیازهای مصرف‌کننده خاص را برآورده می‌کند، اشاره دارد و عوامل مختلفی از جمله شرایط فنی، اقتصادی و سازمانی برای استخراج، فرآوری و تولید را دربرمی‌گیرد (Chursin et al., 2015). عناصر کلیدی که به رقابت صنعتی کمک می‌کنند، برنامه‌ریزی راهبردی، نوآوری، آموزش کارکنان، تحقیقات بازار و فناوری صرفه جویی در منابع است (Pogodina et al., 2020). رقابت‌پذیری به عواملی مانند عرضه نهاده، تقاضای بازار، ساختار شرکت، راهبرد، رقابت و سرریز دانش بستگی دارد (Kleynhans, 2016).

### ۳- روش‌شناسی

مطالعه حاضر با هدف طراحی اکوسیستم کارآفرینی در

5 Evolved Grounded Theory

6 Classical Grounded Theory

7 Straussian Grounded Theory (SGT)

2 Grounded theory

3 Classical Grounded Theory

4 Constructivist Grounded Theory

ادامه پیدا کرد (Coyle et al., 1996) و زمانی که مصاحبه‌های بیشتر به داده‌های تکراری منجر شد، نمونه‌گیری متوقف شد. در جدول شماره ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شونده‌گان نشان داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

درصد	فراوانی	
۲۳/۵	۴	زن
۷۶/۵	۱۳	مرد
۵۳	۹	کارآفرینان صنعت مواد غذایی
۴۷	۸	کارآفرینان فعال در صنعت دارو
۱۷/۶	۳	کارشناسی
۵۹	۱۰	کارشناسی ارشد
۲۳/۴	۴	دکتری

برای محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه به منزله نمونه، انتخاب و کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر بکار می‌رود، ولی با این اشکال روبه‌رو است که نتایج حاصله از آزمون مجدد می‌تواند تحت تاثیر تمرین (تجربه) و حافظه کدگذار قرار گرفته و بنابراین منجر به تغییر در قابلیت اعتماد کدگذاری شود. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه بصورت عدم توافق مشخص می‌شوند.

$$100\% \times \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}}$$

در این پژوهش، ۳ مصاحبه انتخاب شده و با فاصله دو هفته پس از کدگذاری اولیه، مجدداً کدگذاری شدند که نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل پایایی بازآزمون

عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی بازآزمون
مصاحبه سوم	۱۰۵	۴۹	۴	۹۳٪
مصاحبه هفتم	۹۳	۴۱	۷	۸۸٪

منعکس می‌کند. حتی تغییرات جزئی به طور قابل توجهی بر شاخص تاثیر می‌گذارد و آن را برای ثبت پویایی رقابتی پویا مناسب می‌کند.

9 Herfindahl-Hirschman Index

10 Common Method Bias

11 Theoretical relevance

12 Snow Balling

13 Theoretical saturation

می‌شود. در این روش داده‌های کیفی درک و کشف می‌شود و داده‌های مربوط به موضوع پژوهش توسعه یافته و به‌طور مشروط تأیید می‌شود (Kang et al., 2019).

جامعه آماری این پژوهش کارآفرینان صنایع محصولات دارویی و غذایی هستند. دلیل انتخاب این دو صنعت رقابتی بودن صنایع براساس شاخص هرفیندال هیرشمن است.

به‌منظور انتخاب صنایع رقابتی طبق شاخص هرفیندال هیرشمن<sup>۸</sup> رقابت‌پذیری صنایع محاسبه شد. این شاخص میزان تمرکز صنایع را اندازه‌گیری می‌کند. افزایش شاخص هرفیندال برابر است با کاهش میزان رقابت‌پذیری در صنایع. هر چه این شاخص بزرگ‌تر باشد، میزان تمرکز بیشتر بوده و رقابت کمتری در صنعت وجود دارد و بالعکس (Thomson, 2010). براساس این شاخص، صنایعی که میزان  $HHI^9$  آن‌ها کمتر از ۰.۱۰ باشد، بازار رقابتی محسوب شده و صنایعی که میزان شاخص  $HHI$  بیشتر از ۰.۱۸ باشد، بازار غیر رقابتی به حساب می‌آید. صنایعی که میزان  $HHI$  آن‌ها مابین این دو مقدار است نیمه‌رقابتی محسوب می‌شوند. شاخص هرفیندال هیرشمن از حاصل جمع توان دوم سهم بازار تمامی بنگاه‌های فعال در صنعت از فرمول  $HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2$  بدست می‌آید. که در آن  $HHI$  شاخص هرفیندال هیرشمن،  $K$  تعداد بنگاه‌های فعال در بازار و  $S_i$  سهم نام است که از رابطه  $S_i = X_j / \sum_{j=1}^n X_j$  بدست می‌آید. هدف استفاده از این شاخص، حذف سوگیری‌های متداول احتمالی در نمونه<sup>۱۰</sup> و ارتقا ارتباط تئوریک<sup>۱۱</sup> بین نمونه و نظریه بود. این شاخص نشان داد که ۵ صنعت تولیدی رقابتی محسوب می‌شوند و بقیه صنایع که نیمه انحصاری و یا انحصاری بودند، حذف شدند. در نهایت دو صنعت غذا و دارو انتخاب گردید و در ادامه نمونه‌گیری و مصاحبه انجام شد.

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری از نوع گلوله برفی<sup>۱۲</sup> استفاده گردید. مصاحبه‌ها به‌طور متوسط حدود ۷۸ دقیقه به طول انجامید. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری<sup>۱۳</sup>

۸ دلایل انتخاب شاخص هرفیندال-هیرشمن ( $HHI$ ) عبارتست از:

۱- شاخص  $HHI$  یک معیار قوی و شناخته شده برای رقابت‌پذیری و تمرکز بازار در یک صنعت است و با در نظر گرفتن توزیع سهم بازار بین شرکت‌ها، میزان تمرکز را کمی می‌کند.

۲- شاخص  $HHI$  هم در ادبیات دانشگاهی و هم در زمینه سیاست مستند شده است، و این تحقیق به کاربرد آن در درک صنایع رقابتی می‌افزاید.

۳- این تحقیق بر صنایع رقابتی متمرکز است و  $HHI$  به ما امکان می‌دهد ساختار بازار آنها را دقیقاً ارزیابی کنیم. زیرا  $HHI$  به تغییرات در سهم بازار بسیار حساس است و با تکامل صنایع،  $HHI$  این تغییرات را به سرعت

توجه دارد. به‌طور کلی، این پژوهش بر روایی مصاحبه در مراحل مختلف تأکید داشت. به‌منظور بررسی اعتبار تئوریک و افزایش روایی مدل مستخرج سعی شد تا همه کدهای محوری شناسایی شده در مدل پادارادیمی، با مبانی نظری انطباق داده شوند و تبیین‌های تئوریک منطبق با ادبیات ارائه گردد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه ساختارمند انجام شد. بعد از اجرای هر مصاحبه و ضبط، تحلیل محتوا همزمان صورت گرفت و تمام داده‌های حاصل از مصاحبه به متن تبدیل شد (Kang et al., 2019) و برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این روش داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز<sup>۱۴</sup>، کدگذاری محوری<sup>۱۵</sup> و کدگذاری انتخابی<sup>۱۶</sup> تجزیه و تحلیل می‌شوند.

در این فرآیند سه مرحله‌ای و غیرخطی، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده، دسته‌بندی شد و به هر دسته عنوان مناسب تخصیص و سپس از دل آن‌ها، مفاهیم<sup>۱۷</sup> و مقولات<sup>۱۸</sup> استخراج شدند.

مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. در کدگذاری باز مفاهیم درون مصاحبه‌ها براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند. جدول شماره ۳ نمونه‌ای کدهای اولیه استخراجی از نمونه مصاحبه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۳: نمونه‌ای کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها

کد اولیه (مقوله)	نمونه مصاحبه
ثبات قوانین	ثبات قوانین و اینکه قوانین عوض نشود در کنار پایداری دولت‌های جدید به دولت‌های قبلی خیلی مهم است. در اکوسیستم سالم قوانین نباید عوض شود. همچنین نباید بوروکراسی اداری زیاد باشد. اجرای قوانین، نظام مالی، تامین اجتماعی، کم بودن تعداد مجوزها، کوتاه بودن فرایند دریافت مجوز و کاهش مدت زمان دریافت مجوز از اصول اساسی در اکوسیستم است که توسط دولت‌ها و قوانین می‌تواند تدوین و اصلاح شود.
بهبود قوانین	سیاست‌گذاری و قوانین مناسب، از اصول مهم و اساسی محیطی موثر در رقابت‌پذیری است. در بازار منطقه و بازار صادرات، اگر زیرساخت قوانین خوب باشد امکان رشد و رقابت وجود خواهد داشت.
نیروی کار ماهر	دانش مهارت و تجربه سه اصل اساسی است که نیروی کار متخصص باید آنها را داشته باشد تا بتوان در این بازار رقابتی دوام آورد.
نوع بازار	تراکم و عمق بازار، نظام بازار پیچیده یا ساده و رقابتی یا انحصاری بودن بازار می‌تواند در اکوسیستم متفاوت و مهم باشد. اگر بازار قوی و پیشرفته باشد، می‌توان رقابت کرد.
شناخت بازار	باید بازار هر محصول را خوب شناخت. خود بازار موجب رقابت‌پذیری نمی‌شود. اینکه شما بازار را بشناسید و اینکه با چه مزیت رقابتی در بازار ورود کنید مهم است. مثلاً بازار عراق بهتر از بازار افغانستان است. و اینکه باید بتوانید بازار محصول را توسعه بدهید. باید بازار قبلی را حفظ کنید و بازار جدید را اضافه کنید.
حمایت‌های غیرمالی	حمایت‌ها باید ماهیت‌اش عوض نشود. باید جنس حمایت‌ها غیرمالی بشود. حمایت از شرکت‌های نوظهور، حمایت‌های غیردولتی و یا حمایت‌ها حرفه‌ای شود. مثل خوشه‌های مهندسی که حمایت فنی و مهندسی ارائه می‌کنند. البته همکاری حرفه‌ای خیلی مهم است.

کد اولیه (مقوله)	نمونه مصاحبه
مهارت افزایی	آموزش مهارت‌های تخصصی در کنار آموزش‌های دیگه مثل نرم افزار، ارتباطات خیلی مهم است. همچنین مهارت‌های تفکر خلاق، حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و همدردی همگی راه را در مسیر اکوسیستم نشون می‌دهد.
آموزش‌های بین المللی	سرمایه انسانی با دانش خیلی مهم و موثر است. الان همه تحصیلات دارند اما این سواد به مرور زمان نیاز به آپدیت دارد. الان شرکت ما در اروپا با بیش از ۲۰ تا شعبه، هر سال دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند تا تمام شعبه‌ها و پرسنل آپدیت باشند. بیشتر دوره را در شرکت اصلی یعنی سوئیس برگزار می‌کنیم. امسال چندین دوره آموزش برای بیش از ۲۵۰ تا پرسنل برگزار کردیم. به همین دلایل الان مشتریان، چهار برابر مشتریان پارسال هستند.
تیم کاری مناسب	داشتن تیم کاری خوب خیلی مهم است. تیم کاری باید جوان باشد، اما اگر همه جوان باشند، تجربه ندارند. لذا ریسک کار را بالا می‌برد. تیم باید افراد با تجربه هم داشته باشد. که البته افراد با تجربه چون سن شان بالاست سرعت کار و سرعت عملکردشان پایین است. از آنجا که عملکرد کارآفرینی همراه با نوآوری است و یک کار جدید باید ارائه شود. لذا نیاز به دانش و مهارت خیلی مهم است. پس بطور کلی تیم باید مجموعه افرادی باشند که تجربه دانش و مهارت در آن تیم وجود داشته باشند.
زیرساخت	زیرساخت عامل توسعه است. الان استان اصفهان را نگاه کنید با اینکه استان کم آبی هستش اما تمام زیرساخت‌های صنعتی را دارد و جزء استان‌های توسعه یافته است اما سیستان و بلوچستان هم کم آب است ولی مشکل اصلی نداشتن زیرساخت‌های صنعتی است که بر رقابت‌پذیری و شغل آفرینی تاثیر دارد.
ارتباط صنعت و دانشگاه	دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها وزن تحقیق و پژوهش بالاتری دارند. بهتر است نتایج تحقیقات و پژوهش آنها را در کسب و کار ببرند. باید دانشگاه‌ها و صنعت باهم همسو پیش بروند و همسو کار کنند تا بهتر به نتیجه برسیم.
تحقیق و توسعه	صنعتی که هر روز در ارائه محصولات جدید بیشتر تلاش می‌کند قطعاً نیاز به تحقیق دارد و ارائه خدمات آزمایشگاهی و زیرساختی و استفاده ارزان قیمت از تحقیق و توسعه خیلی مهم است. تحقیق و توسعه کشتش و ظرفیت محدود دارد. هم از نظر نیروی متخصص و هم از نظر بودجه‌ای. هر دوتا محدود است. بهتر است که از منابع و دانش بیرونی استفاده شود.
تامین مواد اولیه ارزان	دولت‌ها می‌توانند با تامین بخشی از خدمات یا کالاها یا مواد اولیه و غیره از تامین نیازهای داخلی حمایت کنند. شرایط اقتصادی کشور تومی است. لذا هزینه بنگاه‌ها بالاست. هر کشوری با صنعتی به منابع ارزان قیمت دست پیدا کند موفق تر می‌تواند رقابت کند و نوآور شود.
ارائه محصول رقابتی متفاوت	ان صنایع رفتند روی گوشه‌های بازار برای رسیدن به مزیت رقابتی کار می‌کنند. بخصوص در صنایعی که چند تا محصول دارند. مثلاً بیسکویت رژیمی بدون شکر تولید می‌کنند. البته مزیت رقابتی طول عمر دارد. مثلاً پیتزا دلیوری یک روزی مزیت رقابتی بود اما از روی آن سریع کپی کردند. لذا توجه به چرخه عمر محصول می‌گوید که باید قبل از افول، نوآوری و مزیت رقابتی داشت. تحقیق و توسعه، ترند بازار، محصول مشابه خارجی و فناوری‌های جدید منجر به رقابت‌پذیری می‌شوند.
قوانین ضد انحصار	در یک اکوسیستم باید قوانین درست باشند تا مانع رانت و انحصار شوند و همه رقابت کنند.
مزیت رقابتی	برای رقابت‌پذیری باید شرکت‌ها و کارآفرینان به سمت مزیت رقابتی بروند و رقابت‌پذیر شوند. در مزیت رقابتی وارد اقیانوس آبی می‌شوند و خلق ارزش محصول و خدمت می‌کنند. اما وقتی مزیت رقابتی ندارند در اقیانوس قرمز هستند یعنی به هم آسیب می‌زنند، قیمت را برای تخریب رقیب کاهش می‌دهند و در نهایت کیفیت را دستکاری می‌کنند. مزیت‌های رقابتی منجر به رقابت‌پذیری در اکوسیستم می‌شود. البته این امر نیازمند منابع مالی و حمایت است و باید شرایط رقابت‌پذیری داشته باشد. یعنی سرمایه انسانی، فرهنگ و نگرش‌ها، بازارها، سرمایه‌گذار و حمایت‌ها و منابع مالی همگی به نحوی باشد که شرایط رشد و شرایط رقابت‌پذیری را فراهم کرده باشند.

داده شده است. شرایط علی شامل سه کد محوری سرمایه اولیه، دانش پیشین و منابع فیزیکی غیرمالی است.

#### جدول ۴: شرایط علی اکوسیستم کارآفرینی

کدهای باز	کد انتخابی	کد محوری
پول نقد، تامین مالی شخصی و خانوادگی، تامین مالی خودراه انداز	سرمایه اولیه	سرمایه اولیه
دانش و تجربه قبلی، دسترسی به اطلاعات مالی، اطلاع از انواع اعتبارات دولتی و غیر دولتی، اطلاع از کارکرد شتاب دهنده‌ها، اطلاع از معافیت مالی	دانش پیشین	دانش پیشین
ساختمان‌ها، دستگاه‌ها، تجهیزات، ملک، ماشین آلات، منابع طبیعی ارزان، مزیت های منطقه ای	منابع فیزیکی غیرمالی	منابع فیزیکی غیرمالی

شرایط زمینه‌ای اکوسیستم کارآفرینی در جدول شماره ۵

سپس کدگذاری محوری جهت ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در کدگذاری باز) انجام شد. این مرحله کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی راحت‌تر انجام شود. در نهایت کدگذاری انتخابی براساس نتایج کدگذاری باز و محوری است. به این ترتیب که مقوله محوری را به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. نتیجه تحلیل داده‌های کیفی، منجر به شناسایی و تدوین کدهای محوری و انتخابی در جدول شماره ۴ تا ۹ نشان داده شده است.

#### ۵- یافته‌ها

شرایط علی اکوسیستم کارآفرینی در جدول شماره ۴ نشان

شماره ۷، شامل دو کد محوری است که هر یک از آن‌ها به عنوان یک عمل اصلی بر اکوسیستم کارآفرینی در صنایع تأثیر می‌گذارند.  
جدول ۷: مقوله‌های کانونی اکوسیستم کارآفرینی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
ایجاد و توسعه راه اندازی کسب و کار جدید، خط تولید جدید، مدیریت برند، مدیریت زنجیره تامین	کسب-وکار	توسعه بازار
توسعه بازار خارجی، بازار کشورهای همسایه، تبلیغات، جایابی در بازار، شناسایی خلاء بازار، مدل‌های عرضه جدید اینترنتی، شناخت رقبا، توسعه بازار محلی و منطقه ای	توسعه بازار	

**راهبردهای اکوسیستم کارآفرینی در جدول شماره ۸**

نشان داده شده و شامل چهار کد محوری است که هر یک از آن‌ها به یک راهبرد برای توسعه فعالیت های کارآفرینی مورد نیاز اشاره می‌کند.

**جدول ۸: راهبردهای اکوسیستم کارآفرینی**

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
مدل های مبتنی بر اقتصاد اشتراکی، نوآوری در ابعاد مدل کسب و کار، مدل فریمیوم، مدل تامین مالی جمعی، مدل مبتنی بر هوش مصنوعی و انواع نوآوری مدل کسب و کار و ارزش پیشنهادی	مدل‌های کسب و کار جدید	
محصولات و خدمات جدید	تحقیقات بازار، توسعه محصولات و خدمات جدید، متنوع سازی های افقی و عمودی	
توانمندسازی صنایع	گریدبندی شرکت ها بر حسب توان تولید و صادرات، و پرداخت تسهیلات بر اساس آن، توسعه تشکل ها، سندیکاها و کمک به اخذ استانداردهای بین المللی	
توسعه شبکه‌ها	ارتباط با سازمان‌ها، صنایع مختلف، تولید کننده‌ها، مصرف کننده‌ها، دسترسی به افراد و سازمان‌ها همکاری بازیرگان اکوسیستم و سرمایه اجتماعی	

**پیامدهای اکوسیستم کارآفرینی در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.** این پیامدهای شامل پنج کد محوری است که هر یک از آن‌ها به یک پیامد، که از اکوسیستم کارآفرینی اشاره می‌کند

**جدول ۹: پیامدهای اکوسیستم کارآفرینی**

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
افزایش تعداد مشتریان، افزایش تقاضا، افزایش شرکت های با برند منطقه ای و جهانی، افزایش مزیت رقابتی نسبت به رقبا، تنوع محصول، ارائه محصول رقابتی متفاوت، ارائه خدمات سریع، نیروی انسانی کیفی، روش تولید متفاوت، طراحی متفاوت، بسته بندی، کیفیت بالای محصولات، استفاده از تکنولوژی پیشرفته در تولید، افزایش تعداد صنایع رقابتی	افزایش رقابت-پذیری صنایع	

نشان داده شده است. شرایط زمینه‌ای شامل شش کد محوری زیرساخت، نظام مالی و بانکی، نظام حمایتی، نیروی کار متخصص، دسترسی به فناوری و دسترسی به تحقیق و توسعه است.

**جدول ۵: شرایط زمینه‌ای اکوسیستم کارآفرینی**

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
زیرساخت ارتباطی، زیرساخت انرژی، آب و برق و حمل و نقل، زیر ساخت منابع، زیرساخت فناوری	زیرساخت	
دسترسی به بازارهای مالی، واسطه‌های مالی، دسترسی به منابع بانکی‌های تجاری، بانک‌های سرمایه گذاری، بورس سهام، بازارهای ارز خارجی، بازارهای پول، سیستم‌های پرداخت، شرکت‌های فناوری مالی	نظام مالی و بانکی	
خدمات تخصصی، حمایت قانونی، حمایت از هسته‌های فناوری، حمایت از استارت‌آپ‌ها، حمایت از خلق ارزش، پشتیبانی مسؤلان، حمایت‌های علمی و فناوری، مشاوره کسب و کار، حمایت‌های حسابداری، حمایت ثبت شرکت، حمایت پایدار، خدمات اطلاع رسانی، حمایت از طریق صندوق شکوفایی و نوآوری، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد	نظام حمایتی	
دسترسی به نیروی ماهر و باتجربه، نیروی انسانی تحصیل کرده، نیروی متخصص، دانش نرم افزاری، مهارت افزایی	نیروی کار متخصص	
نبود تحریم در دسترسی به فناوری، دسترسی به هوش مصنوعی، اتوماسیون، ابزارهای همکاری، تحول دیجیتال با هدف افزایش بهره‌وری	دسترسی به فناوری	
ارائه خدمات تحقیق و توسعه، تست و آزمایشگاه مرجع، سرمایه گذاری در تحقیقات و نوآوری های جدید	دسترسی به تحقیق و توسعه	

**شرایط مداخله‌ای اکوسیستم کارآفرینی در جدول شماره ۶**

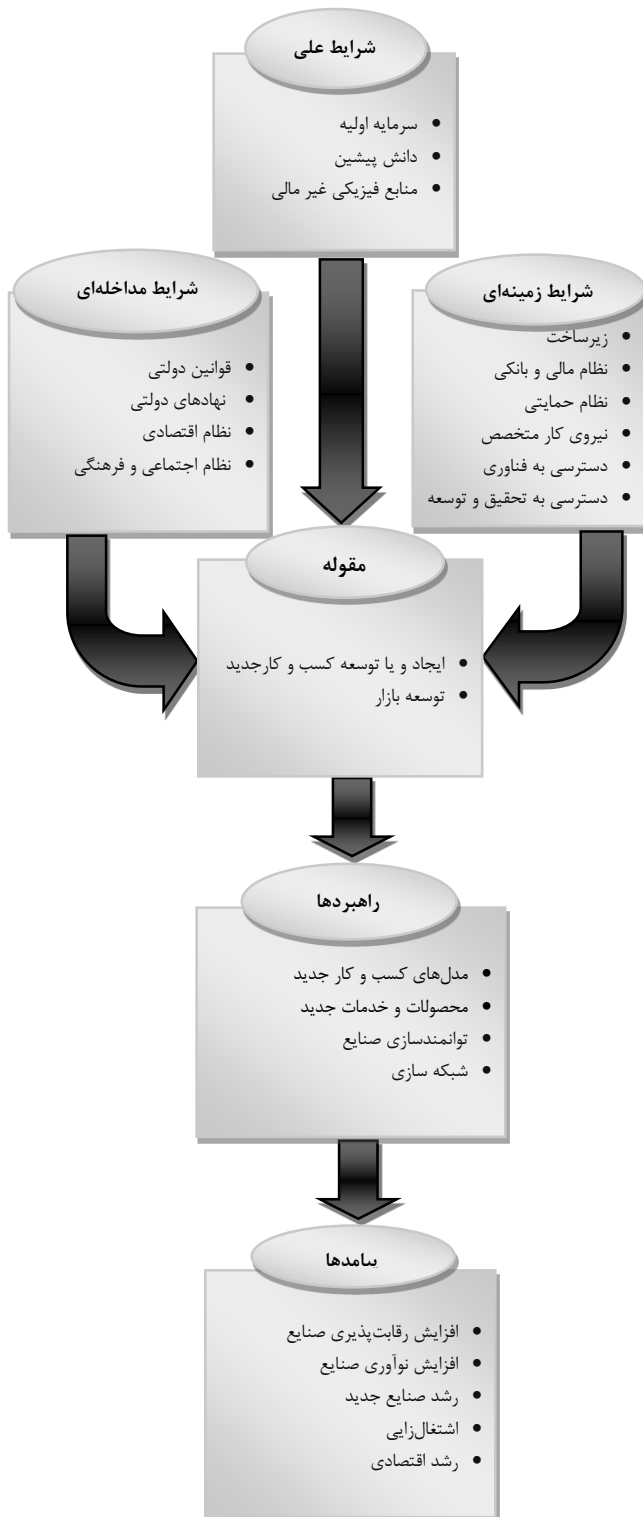
نشان داده شده است که شامل چهار کد محوری قوانین دولتی، نهادهای دولتی، نظام اقتصادی و نظام اجتماعی و فرهنگی است.

**جدول ۶: شرایط مداخله‌ای اکوسیستم کارآفرینی**

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
بهبود قوانین، قوانین بازار، سهولت راه اندازی، ثبات قوانین، قوانین خصوصی سازی، قوانین کار، قوانین رقابت پذیری، قوانین ضد انحصار، قوانین خاص کارآفرینی	قوانین دولتی	
نهادهای تسهیلگری، تامین اجتماعی کارآمد، نهاد قضایی کارآمد، نهادهای تنظیم گر (بازار کار، بازار مالی، بازار سرمایه، بازار فناوری)	نهادهای دولتی	
نرخ بیکاری پایین، نرخ تورم پایین، نرخ بهره پایین، بهره‌وری بالا، فساد اندک، ارز خارجی با قیمت قابل پیش بینی	نظام اقتصادی	
شبکه‌های حمایت اجتماعی قوی، نگرش، باورها و ارزش‌های افراد، و خانواده‌ها، نگرش کارآفرینانه، نگرش به ریسک پذیری، فرهنگ خلق ارزش، فرهنگ کار و تلاش، نگرش مثبت نسبت به افراد موفق، الگوی نقش بودن افراد موفق، فرهنگ پذیرش شکست	نظام اجتماعی و فرهنگی	

مقوله های کانونی اکوسیستم کارآفرینی مطابق با جدول

خود جای می‌دهد. اینکه چگونه ابعاد اکوسیستم بر رقابت در بخش‌هایی مانند تولید، فناوری یا امور مالی تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱: مدل پارادایمی اکوسیستم کارآفرینی

به‌منظور افزایش اعتبار تئوریک مدل مستخرج سعی شد تا همه کدهای محوری با مبانی نظری انطباق داده شوند و تبیین‌های تئوریک برای آنها ارائه گردد. الگوی پارادایمی

افزایش نوآوری صنایع	افزایش مشارکت و همکاری با مؤسسات دانشگاهی، همکاری با شرکت های در کلاس جهانی، قراردادهای بین المللی، نوآوری باز، افزایش چابکی و سازگاری، ایجاد فرهنگ نوآوری، ایجاد مراکز کارآمد تحقیق و توسعه شرکتی
رشد صنایع جدید	توسعه زنجیره های تامین در صنایع منتخب و رقابت پذیر، توسعه شهرک های صنعتی و نواحی نوآوری، رشد صنایع متناسب با مزیت های منطقه ای، در دسترس بودن محصولات جایگزین در بازار
اشتغال زایی	ایجاد شغل، مشارکت نیروی کار، توسعه مهارت، اشتغال جوانان، اشتغال فراگیر، مشاغل با کیفیت بالا، فرصت‌های کارآفرینی، اشتغال موثر
رشد اقتصادی	افزایش درآمدها و ثروت؛ بهبود بهره وری، افزایش صادرات، کاهش وابستگی به واردات، تنوع در صنعت، توسعه منطقه ای

در نهایت پس از استخراج کدهای مرتبط با حوزه پژوهش و دسته بندی آنها، مدل پارادایمی اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی مطابق با شکل شماره ۱ ارائه شد.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق یک مدل پارادایمی جدید از اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی را براساس روش‌شناسی نظریه داده بنیاد پیشنهاد می‌کند. این مدل از داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از مصاحبه با ۱۷ نفر از کارآفرینان از صنعت دارو و غذا بدست آمده است. این مدل نشان دهنده عوامل و فرآیندهایی است که اکوسیستم کارآفرینی را شکل می‌دهد. سهم و مشارکت اصلی این تحقیق آن است که مدلی جدید از اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی را ارائه می‌کند و طراحی و اجرای سیاست‌ها و مداخلات موثر را کمک می‌نماید.

این پژوهش یک مدل مفهومی اصلی برای درک و تقویت اکوسیستم‌های کارآفرینی صنایع به روش گراندد تئوری معرفی می‌کند که به ما امکان می‌دهد به جای تکیه بر نظریه‌های موجود، بینش را به‌طور مستقیم از داده‌های تجربی استخراج کنیم. این پژوهش چندین عنصر نوآورانه را معرفی می‌کند از جمله: ۱. در پژوهش از روش تحقیق کیفی نظریه زمینه‌ای، استفاده شد. برخلاف رویکردهای قیاسی، نظریه زمینه‌ای به ما اجازه می‌دهد تا بینش‌هایی را به‌طور مستقیم از داده‌های تجربی استخراج کنیم. این مدل به‌طور ارگانیک از مشاهدات خاص صنعت پدیدار می‌شود؛ ۲. مدل استخراجی پژوهش تعامل عناصر اکوسیستم (به‌عنوان مثال، نهادها، شبکه‌ها و منابع) را در صنایع رقابتی در نظر می‌گیرد. این یک چارچوب برای همه نیست؛ بلکه متناسب با زمینه‌های خاص است. این زمینه‌سازی بدیع و کاربردی است؛ ۳. درحالی‌که مدل‌های موجود به‌طور گسترده اعمال می‌شوند، مدل این پژوهش معیارهای خاص صنعت را در

اکوسیستم کارآفرینی رقابتی شامل موارد زیر است:

۱- شرایط علی اکوسیستم کارآفرینی شامل سه کد محوری دسترسی به سرمایه اولیه، دانش پیشین و منابع فیزیکی غیرمالی است. شرایط علی مشوق شروع یک کسب و کار کارآفرینانه است؛ ولی تداوم آن به سایر عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای بستگی دارد.

۱-۱- سرمایه اولیه: به مفهوم انواع مختلف سرمایه شخصی و خانوادگی است که کارآفرینان برای شروع و رشد سرمایه‌گذاری خود به آن نیاز دارند کدهای محوری این مفهوم عبارتند از: پول نقد، تامین مالی شخصی و خانوادگی (Asheim et al., 2011; Hosseininia et al., 2021)، تامین مالی خودراه انداز؛

۱-۲- دانش پیشین: به داشتن دانش‌ها و مهارت‌های لازم و دسترسی به انواع اطلاعات اشاره دارد که برای ایجاد اشتیاق کارآفرینانه و راه‌اندازی کسب و کار اهمیت دارد (Spigel & Harrison, 2018, & Roundy, 2017). کدهای محوری مستخرج عبارتند از: تحصیلات و تجربه فرد، دسترسی به اطلاعات مالی، اطلاع از انواع اعتبار دولتی و غیر دولتی، اطلاع از کارکرد شتاب دهنده‌ها، اطلاع از معافیت مالی؛

۱-۳- منابع فیزیکی غیرمالی: دارایی‌های فیزیکی و مادی است که کارآفرینان می‌توانند برای ایجاد ارزش و نوآوری از آنها استفاده کنند (Baghersad et al., 2020, Stam et al., 2021, & Liguori et al., 2019). این منابع فیزیکی می‌توانند راه‌اندازی و توسعه کسب و کار را تسریع کنند. کدهای محوری مستخرج منابع فیزیکی غیرمالی عبارتند از: ساختمان، ماشین آلات، زمین، منابع طبیعی ارزان، مزیت‌های منطقه‌ای.

۲- شرایط زمینه‌ای شامل شش کد محوری است که هر یک از آن‌ها به عاملی در محیط نزدیک اشاره دارد که بر کارآفرینی در صنایع رقابتی تأثیر می‌گذارد:

۱-۲- زیرساخت: میزان دسترسی به انواع امکانات و خدمات پایه و عمومی اشاره دارد (Davari et al., 2024, Stam et al., 2021, Isenberg et al., 2011, & Isenberg et al., 2016). کدهای محوری مستخرج زیرساخت عبارتند از: دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی، انرژی، آب و برق، و زیرساخت‌های فناوریانه است؛

۲-۲- نظام مالی و بانکی: تأمین مالی برای راه‌اندازی و توسعه شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد (Davari et al., 2024). در دسترس بودن منابع مالی از ویژگی‌های مهم اکوسیستم‌های

کارآفرینانه است و به میزان و نوع دسترسی به منابع مالی که برای شروع و توسعه کسب و کارهای فناوریانه اشاره دارد و شامل دسترسی به انواع بازارهای مالی، واسطه‌های مالی، بانک‌ها، بورس‌ها، سیستم‌های پرداخت و شرکت‌های فناوری مالی است؛

۲-۳- نظام حمایتی: به انواع حمایت نهاد‌های دولتی که غیرمالی هستند، اشاره دارد (Davari et al., 2017, Stam et al., 2021, Isenberg et al., 2016). کدهای محوری مستخرج نظام حمایتی و پشتیبانی عبارتند از: خدمات تخصصی، حمایت قانونی، حمایت از هسته‌های فناوری، استارت‌آپ‌ها و خلق ارزش که برای ایجاد و ارتقای کسب و کارهای فناوریانه، حمایت از طریق صندوق شکوفایی و نوآوری، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد، حمایت‌های حسابداری، حمایت ثبت شرکت، خدمات اطلاع رسانی و برگزاری دوره‌های بین‌المللی؛ ۲-۴- نیروی کار متخصص، به کمیت و کیفیت و نوع نیروی انسانی که دارای دانش، مهارت، تجربه و خلاقیت برای ایجاد و توسعه کسب و کارهای نوپا اشاره دارد (Stam et al., 2021, Isenberg, 2011, & Hofmann et al., 2019). سرمایه انسانی بر بروندها و نتایج کارآفرینی تأثیر دارد. کدهای محوری مستخرج منابع انسانی عبارتند از: دسترسی به نیروی ماهر و باتجربه، نیروی انسانی تحصیل کرده، نیروی متخصص، دانش نرم افزاری، مهارت افزایی؛

۲-۵- دسترسی به فناوری به میزان دسترسی و کیفیت فناوری‌های مورد استفاده در صنایع اشاره دارد که می‌تواند در تولید محصولات با کیفیت بالاتر کمک کند (Zahra et al., 2023) و شامل کدهای محوری نبود تحریم در دسترسی به فناوری، دسترسی به هوش مصنوعی، اتوماسیون، ابزارهای همکاری تحول دیجیتال با هدف افزایش بهره‌وری است؛

۲-۶- دسترسی به تحقیق و توسعه: کسب و کارها برای ارتقا کیفیت محصولات و خدمات و رقابت‌پذیر شدن نیازمند خدمات تحقیقاتی هستند که معمولاً پرهزینه تلقی می‌شود (Davari et al., 2017, Stam et al., 2021, Isenberg et al., 2016). به همین دلیل دولت‌ها این نوع خدمات را با هزینه اندک در اختیار کارآفرینان قرار می‌دهند. کدهای محوری این عامل شامل ارائه خدمات تست و آزمایشگاه مرجع، سرمایه گذاری در تحقیقات و دسترسی به نوآوری‌های جدید است.

۳- شرایط مداخله‌ای بیشتر بر محیط دور تأکید دارد و شامل چهار کد محوری است.

۳-۱- قوانین دولتی: به شدت و نوع سیاست‌ها، قوانین دولت

جایابی در بازار، شناسایی خلاء بازار، شناخت رقبا، توسعه بازار محلی و منطقه ای است.

۵- راهبردهای اکوسیستم کارآفرینی شامل چهار کد محوری است که هر یک از آن‌ها به یک راهبرد اشاره می‌کند. این راهبردها عبارتند از:

۵-۱- مدل‌های کسب و کار جدید به ایجاد و انتخاب مدل‌های کسب و کار جدید و نوآورانه در صنایع اشاره دارد که مسیرهای نوآورانه جدیدی برای کارآفرینان ایجاد می‌کند (Chaudhary et al., 2024, & Zahra et al., 2023). توسعه مدل‌های کسب و کار جدید از طریق اقتصاد اشتراکی، مدل فریمیوم، مدل تامین مالی جمعی و مدل کسب و کار مبتنی بر هوش مصنوعی و انواع نوآوری مدل کسب و کار و نوآوری در ارزش پیشنهادی است؛

۵-۲- محصولات و خدمات جدید: به توسعه کمی و کیفی محصولات و خدمات جدید و متناسب با نیازهای بازار اشاره دارد (Davidsson et al., 2020, & Chaudhary et al., 2024) که از طریق نوآوری، بهبود کارایی، فرآیند طراحی محصولات و خدمات، متنوع سازی های افقی و عمودی و ایجاد تمایز و افزایش سهم بازار محقق می‌گردد؛

۵-۳- توانمندسازی صنایع: یکی از موضوعات کلیدی در جهت رقابت پذیر ساختن شرکت‌ها ارتقا کمی و کیفی آنها است تا نوآورتر شوند (Spigel et al., 2018). این راهبرد از طریق درجه بندی شرکت‌ها برحسب توان تولید و صادرات و پرداخت تسهیلات براساس آن، تشکیل‌ها، انجمن‌ها و کمک به اخذ انواع استانداردهای بین المللی محقق می‌گردد؛

۵-۴- شبکه سازی: به ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی و همکاری بین اعضای اکوسیستم کارآفرینی اشاره دارد (Spigel et al., 2018) که از طریق ارتباط با سازمان‌ها، صنایع مختلف، تولید کننده‌ها، مصرف کننده‌ها، دسترسی به افراد و سازمان‌ها، همکاری بازیگران اکوسیستم به افزایش دانش، اطلاعات، منابع و فرصت‌های کارآفرینی منجر می‌شود.

۶- پیامدهای اکوسیستم کارآفرینی شامل پنج کد محوری است که هر یک از آن‌ها به یک پیامد و خروجی اکوسیستم کارآفرینی در صنایع رقابتی اشاره می‌کند.

۶-۱- افزایش رقابت پذیری صنایع: به افزایش توانایی صنایع برای رقابت با دیگر شرکت‌ها در بازارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی اشاره دارد که بیانگر افزایش کمی و کیفی عملکرد شرکت‌ها در مقایسه با رقباست (Davari et al., 2024, Davari et al., 2023, Baghersad et al., 2020). کدهای

برای راه‌اندازی و رشد کسب و کارها اشاره دارد (Baghersad et al., 2013; Kang & Park, 2019). کدهای محوری مستخرج عبارتند از: بهبود قوانین، قوانین بازار، سهولت راه اندازی، ثبات قوانین، قوانین خصوصی سازی، قوانین کار، قوانین رقابت‌پذیری، قوانین ضد انحصار، قوانین خاص کارآفرینی و غیره؛

۳-۲- نهادهای دولتی: نهادها و سازمان‌های دولتی نقش هدایت‌گری اکوسیستم کارآفرینی را برعهده دارند و در ایجاد و توسعه اکوسیستم نقش مهمی دارند (Liguori et al., 2019). این نهادها عبارتند از: نهادهای تسهیلگری، تامین اجتماعی کارآمد، نظام قضایی کارآمد، نهادهای تنظیم‌گر (بازار کار، بازار مالی، بازار سرمایه، بازار فناوری)؛

۳-۳- نظام اقتصادی: ثبات اقتصادی نقش مهمی در پیش‌بینی پذیری آینده دارد و به میزان و نوع شرایط اقتصادی برای شروع و توسعه کسب و کارها اشاره دارد (Wennekers et al., 1999) و شامل نرخ بیکاری پایین، نرخ تورم کم، نرخ بهره پایین، ارز خارجی با قیمت قابل پیش بینی و بهره‌وری بالا و فساد کم است؛

۳-۴- نظام اجتماعی و فرهنگی: روندهای اجتماعی و ارزش‌های جامعه بر نوع کسب و کارها موثر هستند (Davari et al., 2017, Spigel et al., 2018, Stam et al., 2021, & Hofmann et al., 2019). کدهای محوری مستخرج نظام اجتماعی و فرهنگی عبارتند از: شبکه‌های حمایت اجتماعی قوی، نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های خانواده‌ها، نگرش کارآفرینانه، نگرش به ریسک‌پذیری، فرهنگ خلق ارزش، فرهنگ کار و تلاش، نگرش مثبت نسبت به افراد موفق، الگوی نقش بودن افراد موفق، فرهنگ پذیرش شکست.

۴- مقوله‌های کانونی اکوسیستم کارآفرینی: به عوامل کلیدی در یک اکوسیستم کارآفرینی اشاره دارد و شامل دو کد محوری است.

۴-۱- ایجاد و یا توسعه کسب و کار جدید: ثبت شرکت و راه اندازی یک کسب و کار نقطه شروع سفر کارآفرینانه است (Zahra et al., 2023). با افزایش تعداد شرکت‌ها، امکان رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی فراهم می‌گردد. کدهای محوری این عامل عبارتند از: راه اندازی کسب و کار جدید، خط تولید جدید، مدیریت زنجیره تامین؛

۴-۲- توسعه بازار: یکی از عوامل مهم در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، بزرگ کردن اندازه بازار و افزایش تعداد مشتریان است، تا امکان رشد و رقابت پذیری بیشتر گردد. توسعه بازار شامل توسعه بازار خارجی، بازار کشورهای همسایه، تبلیغات،

به رقابت‌پذیری و پایداری در بازارهای مختلف برسند. یکی از این عوامل، "شرایط علی" که در آن سرمایه اولیه، دانش پیشین و منابع فیزیکی غیرمالی به‌عنوان عوامل اساسی در پیشبرد کسب و کارها و ایجاد روند توسعه اقتصادی اهمیت بسزایی دارند. وجود منابع مالی کافی و دانش کافی درباره صنعت مورد نظر می‌تواند توانایی هر کسب و کار را در ارائه محصولات و خدمات خود بهبود دهد و به بازارها معرفی کند. در بخش دیگر، "شرایط زمینه‌ای" نیز با مواردی همچون زیرساخت، نظام مالی و بانکی، نظام حمایتی، نیروی کار متخصص، دسترسی به فناوری و دسترسی به تحقیق و توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. این عوامل نیز در تعامل با شرایط علی، به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه و پیشرفت کسب و کارها عمل می‌کنند و راه‌کارهای اجرایی را ممکن می‌سازند. همچنین، "شرایط مداخله‌ای" از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که شامل قوانین دولتی، نهادهای دولتی، نظام اقتصادی و نظام اجتماعی و فرهنگی هستند. این عوامل نیز با ایجاد یک محیط قانونی و انضباطی مناسب و با توجه به ارزش‌های اجتماعی قابل قبول، به ضمانت ایجاد رقابت سالم و موفقیت‌آمیز کسب و کارها کمک می‌کنند. علاوه بر این، "مقوله‌ها" که شامل ایجاد یا توسعه کسب و کار جدید و توسعه بازار می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این موارد نشان‌دهنده مسیرهای مناسب برای توسعه و پیشرفت کسب و کارها در مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های بازارند. در نهایت، "راهبردها" که شامل مدل‌های کسب و کار جدید، محصولات و خدمات جدید، توانمندسازی صنایع و شبکه‌سازی است، نیز نقش بسیار مهم و تصمیم‌گیری در تعامل با عوامل دیگر دارند. اعمال راهبردهای مناسب و نوآورانه می‌تواند به بهبود عملکرد، رقابت‌پذیری و پایداری کسب و کارها کمک کند و برای ایجاد شرایط موفقیت بیشتر در بازارهای رقابتی امروزی بسیار مؤثر باشد.

## ۷- پیشنهادات

مدل مستخرج از این تحقیق می‌تواند درک و عملکرد سیاست‌گذاران را بهبود بخشد که هدفشان تقویت و حمایت از کارآفرینی است. این مدل می‌تواند بینش‌ها و توصیه‌های مفید و مرتبط را برای محققانی که اکوسیستم کارآفرینی را مطالعه و تحلیل می‌کنند و به دنبال ارتقای دانش نظری و تجربی در مورد این موضوع هستند، ارائه دهد.

براساس یافته‌های تحقیق، سیاست‌گذاران می‌توانند بر ایجاد یا بهبود دسترسی به سرمایه برای کارآفرینان مشتاق و کسب و

محوری رقابت‌پذیری عبارتند از: افزایش تعداد مشتریان، افزایش تقاضا، افزایش شرکت‌های با برند منطقه‌ای و جهانی، افزایش مزیت رقابتی نسبت به رقبای، تنوع محصول، ارائه خدمات سریع، نیروی انسانی کیفی، روش تولید متفاوت، بسته بندی، کیفیت بالای محصولات، استفاده از فناوری پیشرفته در تولید، ارائه محصول رقابتی متفاوت، طراحی متفاوت و افزایش تعداد صنایع رقابتی؛

۲-۶- افزایش نوآوری صنایع: به افزایش توانایی صنایع در ارائه محصولات و خدمات جدید و متناسب با نیازهای بازار اشاره دارد (Banadaki et al., 2013, & Baghersad et al., 2014)، که از طریق افزایش مشارکت و همکاری با موسسات دانشگاهی، همکاری با شرکت‌های در کلاس جهانی، قراردادهای بین‌المللی، نوآوری باز، افزایش چابکی و سازگاری، ایجاد فرهنگ نوآوری، ایجاد مراکز کارآمد تحقیق و توسعه شرکتی بوجود می‌آید؛

۳-۶- رشد صنایع جدید: به ایجاد و رشد صنایع جدید، زنجیره‌های تامین در حوزه‌های منتخب و نواحی نوآوری اشاره دارد (Spigel et al., 2018) که از طریق توسعه زنجیره‌های تامین در صنایع منتخب و رقابت‌پذیر، توسعه شهرک‌های صنعتی و نواحی نوآوری، رشد صنایع متناسب با مزیت‌های منطقه‌ای، دسترسی بودن محصولات جایگزین در بازار ایجاد می‌شود؛

۴-۶- اشتغال‌زایی: توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در نهایت به افزایش فرصت‌های شغلی و مشارکت نیروی کار در اقتصاد اشاره دارد (Davari et al., 2017) که از طریق ایجاد شغل، مشارکت نیروی کار، اشتغال جوانان، اشتغال فراگیر، مشاغل با کیفیت بالا، فرصت‌های کارآفرینی، اشتغال فناورانه، اشتغال موثر ایجاد می‌شود؛

۵-۶- رشد اقتصادی: هدف غایی برنامه‌های توسعه کارآفرینی در نهایت رشد اقتصادی است که به افزایش سطح تولید و درآمد در اشاره دارد (Strauss, 1990) و از طریق افزایش ثروت، بهبود بهره‌وری، افزایش صادرات، کاهش وابستگی به واردات، تنوع در صنعت، توسعه منطقه‌ای ایجاد می‌شود.

به‌طور کلی این پژوهش که به روش گراند تئوری انجام شد، عوامل مختلف مؤثر بر موفقیت و پیشرفت کسب و کارها را بررسی و بیان می‌کند. این عوامل به چند گروه اصلی تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها در ایجاد موقعیت‌های مختلف برای کسب و کارها نقشی بسیار مهم داشته و به آنها کمک می‌کنند تا

می توانند نوآوری و رقابت را هدایت کنند، کارآفرینی را تقویت می شود.

در نهایت پیشنهاد می شود که به طور منظم سیاستها را بررسی و تنظیم کنند تا مطمئن شوند که اکوسیستم آنها موثر و همسو با نیازهای در حال تحول صنایع هستند. با اجرای این پیشنهادات، سیاستگذاران می توانند اکوسیستم صنعتی پویاتر و رقابتی تری ایجاد کنند که قادر به انطباق با روندهای تغییر جهانی و پیشرفت های فناورانه باشد.

همچنین به سایر پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می شود:

۱. بررسی تغییرات اکوسیستمی در صنایع مختلف تا عوامل خاص که بر موفقیت اکوسیستم های کارآفرینی تأثیر می گذارند، مشخص گردد؛

۲. انجام تحقیقات طولی برای مشاهده چگونگی تکامل اکوسیستم کارآفرینی در طول زمان و شناسایی اثرات بلندمدت اجزای خاص اکوسیستم؛

۳. انجام مطالعه بین فرهنگی برای درک اینکه چگونه زمینه های فرهنگی مختلف بر توسعه و کارایی اکوسیستم های کارآفرینی تأثیر می گذارد؛

۴. بررسی نقش فناوری های نوظهور در شکل دهی به اکوسیستم های کارآفرینی، به ویژه در صنایع رقابتی که در آن نوآوری کلیدی است؛

۵. بررسی تأثیر سیاست های دولت بر سلامت و رشد اکوسیستم های کارآفرینی به طور خاص صنایع رقابتی؛

۶. انجام سنجش کمی برای اعتبارسنجی مدل مستخرج این تحقیق.

به طور کلی، این پژوهش با بررسی و توضیح اهمیت و نقش عوامل مختلفی مانند شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله ای، مقوله ها و راهبردها، تلاش می کند تا راهکارهای مناسب برای پیشگیری از چالش ها و بهره وری بیشتر در کسب و کارها ارائه دهد و به روند توسعه و پیشرفت اقتصادی کمک کند. از این رو، پیشنهاد می شود که اهمیت و اثرات این عوامل در روند توسعه و مدیریت کسب و کارها به طور دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد تا راهکارهای مناسب و موثری برای بهبود و بهبود عملکرد کسب و کارها و صنایع ارائه شود.

کارهای کوچک در صنایع مختلف تمرکز کنند. در این زمینه ابتکاراتی مانند برنامه های وام با حمایت دولت، صندوق های سرمایه گذاری خطرپذیر یا مشوق های مالیاتی برای سرمایه گذاران خصوصی می تواند موثر باشد. سیاستها می توانند برای حمایت از استارت آپها و کسب و کارهای کوچک در قالب برنامه های راهنمایی، مراکز رشد، شتاب دهنده ها و دسترسی به منابعی مانند فضای اداری، تجهیزات و فناوری طراحی شوند. ارتقا برنامه های آموزشی می تواند توسعه نیروی کار ماهر را تضمین کند و نیازهای صنایع نوظهور و استارت آپها را برآورده کند.

برای سیاستگذاران مهم است که یک محیط نظارتی مناسب برای کارآفرینی، از جمله سیاست های مالیاتی، فرآیندهای ثبت کسب و کار و حفاظت از مالکیت معنوی ایجاد کنند. نهادهای دولتی همچنین می توانند حمایت و منابع ضروری را برای کارآفرینان فراهم کنند. آنها باید زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترده تری را که در آن کارآفرینی رخ می دهد، در نظر بگیرند و سیاست هایی را برای حمایت از رشد اقتصادی پایدار و فراگیر تنظیم کنند. سیاستها می توانند پذیرش و توسعه فناوری های جدید را تشویق کنند. از تحقیق و توسعه در صنایع نوظهور حمایت کنند. همچنین می توانند با حمایت از صنایعی که پتانسیل رشد و توسعه دارند، برای ایجاد محیطی که رقابت را تقویت می کند، نوآوری را ترویج می کند و رشد اقتصادی را تحریک می کند، تلاش کنند.

همچنین با ارائه سیاست های اختصاصی در هریک از صنایع می توان سیاست هایی را متناسب با نیازها و پویایی های منحصر به فرد بخش های مختلف ایجاد کرد؛ زیرا ممکن است یک روش سیاستی خاص، رقابت پذیری را در یک صنعت افزایش دهد ولی در صنعت دیگری کارایی نداشته باشد. ایجاد چارچوب های توسعه نوآوری، مانند تأمین مالی برای تحقیق و توسعه، سرمایه گذاری در فناوری های جدید را ترغیب می کند. توصیه می شود نیروی کار را با مهارت های مورد نیاز صنایع مدرن، به ویژه صنایع مرتبط با صنعت و فناوری های دیجیتال تجهیز کنند. زیرساخت های لازم، چه فیزیکی و چه دیجیتال، برای حمایت از رشد صنعت و فعال کردن عملیات کارآمد وجود دارد. با حمایت از توسعه خوشه های صنعتی و اکوسیستم هایی که

## فهرست منابع

Asheim, B. T., Lawton Smith, H., & Oughton, C. (2011). Regional innovation systems: Theory, empirics and policy. *Regional Studies*, 45(7), 875–891.

- Asheim, B. T., Smith, H. L., & Oughton, C. (2011). Regional innovation systems: Theory, empirics and policy. *Regional Studies*, 45(7), 875–891.
- Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2021). Towards an entrepreneurial ecosystem typology for regional economic development: The role of creative class and entrepreneurship. *Regional Studies*, 55(4), 735–756.
- Audretsch, D. B., Cunningham, J. A., Kuratko, D. F., Lehmann, E. E., & Menter, M. (2019). Entrepreneurial ecosystems: Economic, technological, and societal impacts. *The Journal of Technology Transfer*, 44, 313–325.
- Baghersad, V., & Ghani, M. (2014). The effect of entrepreneurial education on University of Tehran students' entrepreneurial intention. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 4(4), 202–207.
- Baghersad, V., Davari, A., & Azizi, M. (2020). Entrepreneurial ecosystem and competitiveness in selected industries. *Journal of Entrepreneurship Development*, 12(4), 521–540. <https://doi.org/10.22059/jed.2020.294038.653209>
- Baghersad, V., Davari, A., & Sefidbari, L. (2021). Policy-making based on entrepreneurship ecosystem and development of knowledge-based companies. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 17(Special Issue), 67–85.
- Baghersad, V., Zali, M. R., Razavi, S. M., & Saeed Bonadaki, S. (2013). The effects of entrepreneurship education on technical and vocational students' entrepreneurial intention (Case study: Technical and Vocational University, the College of Girls in Karaj). *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(4), 21–36.
- Banadaki, S. S., Karimzadegan, H., Meiboudi, H., & Baghersad, V. (2013). The development of entrepreneurial training: A necessity in Iran's universities. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 3(1), 436.
- Baqersad, V., Alizadeh, M., & Saeed, S. (2012). Identifying the key success factors of e-learning entrepreneurship in the state-run universities of Tehran. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5(3), 85–104.
- Bejjani, M., Göcke, L., & Menter, M. (2023). Digital entrepreneurial ecosystems: A systematic literature review. *Technological Forecasting and Social Change*, 189, 122372.
- Chaudhary, S., Kaur, P., Ferraris, A., Bresciani, S., & Dhir, A. (2024). Connecting entrepreneurial ecosystem and innovation: Grasping at straws or hitting a home run? *Technovation*, 130, 102942.
- Chursin, A., & Makarov, Y. (2015). Management of competitiveness. *Theory and Practice*, 1–378.
- Cohen, B. (2006). Sustainable valley entrepreneurial ecosystems. *Business Strategy and the Environment*, 15(1), 1–14.
- Cohen, B. (2006). Sustainable valley entrepreneurial ecosystems. *Business Strategy and the Environment*, 15(1), 1–4.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13(1), 3–21.
- Coyle, N., Goldstein, M. L., Passik, S., Fishman, B., & Portenoy, R. (1996). Development and validation of a patient needs assessment tool (PNAT) for oncology clinicians. *Cancer Nursing*, 19(2), 81–92.
- Davari, A., Akbari, M., Baghersad, V., & Rezvani, A. (2024). Entrepreneurial ecosystem and competitiveness in different regions: A fuzzy set qualitative comparative approach.
- Davari, A., Azizi, M., & Baghersad, V. (2023). Entrepreneurial ecosystem is a necessary or sufficient condition for competitiveness. *Iranian Journal of Management Sciences*, 14(55), 107–129.
- Davari, A., Baghersad, V., & Farrokhanesh, T. (2022). Designing and validating of entrepreneurship policy model. *Iranian Journal of Management Sciences*, 17(66), 1–20.
- Davari, A., Baghersad, V., & Vafaei, V. (2021). Corporate resilience and performance in food industry SMEs during COVID-19. *Journal of World Sociopolitical Studies*, 5(2), 333–366.
- Davari, A., Sefidbari, L., & Baghersad, V. (2017). The factors of entrepreneurial ecosystem in Iran based on Isenberg's model. *Journal of Entrepreneurship Development*, 10(1), 101–120.
- Davidsson, P., Recker, J., & Von Briel, F. (2020). External enablement of new venture creation: A framework. *Academy of Management Perspectives*, 34(3), 311–332.
- De Jager, H. J., Mthembu, T. Z., Ngowi, A. B., & Chipunza, C. (2017). Towards an innovation and entrepreneurship ecosystem: A case study of the Central University of Technology, Free State. *Science, Technology and Society*, 22(2), 310–331.
- Dooley, K. J. (1997). A complex adaptive systems model of organization change. *Nonlinear Dynamics, Psychology, and Life Sciences*, 1, 69–97.
- Echeverri-Carroll, E., & Oden, M. (2016). Preliminary assessment of the factors that led Austin to become a high-tech entrepreneurial city. Report funded by the Kauffman Foundation.
- Feld, B., & Hathaway, I. (2020). *The startup community way: Evolving an entrepreneurial ecosystem*. John Wiley & Sons.
- Groth, O. J., Esposito, M., & Tse, T. (2015). What Europe needs is an innovation-driven entrepreneurship ecosystem: Introducing EDIE. *Thunderbird International Business Review*, 57(4), 263–269.
- Guerrero, M., Liñán, F., & Cáceres-Carrasco, F. R. (2021). The influence of ecosystems on the entrepreneurship process: A comparison across developed and developing economies. *Small Business Economics*, 57(4), 1733–1759.
- Hoffecker, E., Ramos, F., Adomdza, G., & Frey, D. (2023). Strengthening local innovation and entrepreneurial ecosystems. *The Journal of Entrepreneurship*, 32(2\_suppl), S89–116.
- Hofmann, M., & Giones, F. (2019). Entrepreneurship as an innovation driver in an industrial ecosystem. In *Digital Entrepreneurship: Interfaces Between Digital Technologies and Entrepreneurship* (pp. 99–121).

- Hosseininia, G. H., Davari, A., Baghersad, V., & Farrokhmanesh, T. (2021). Causality, effectiveness and business performance: A fuzzy approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 14(1), 21–40.
- Isenberg, D. (2011). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship. Presentation at the Institute of International and European Affairs, Dublin, 12 May 2011.
- Isenberg, D., & Onyemah, V. (2016). Fostering scale-up ecosystems for regional economic growth. In *Global Entrepreneurship Congress 2016* (pp. 71–97).
- Jovanović, M., Mas, A., Mesquida, A. L., & Lalić, B. (2017). Transition of organizational roles in Agile transformation process: A grounded theory approach. *Journal of Systems and Software*, 133, 174–194.
- Kang, D., & Park, Y. (2019). Analysing diffusion pattern of mobile application services in Korea using the competitive Bass model and Herfindahl index. *Applied Economics Letters*, 26(3), 222–230.
- Kleynhans, E. P. J. (2016). Factors determining industrial competitiveness and the role of spillovers. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 32(2), 527–540.
- Kumar, R., Kaur, S., Erceg, Ž., & Mirović, I. (2023). Industry 4.0 and its impact on entrepreneurial ecosystems: An examination of trends and key implications. *Journal of Organizational Technology and Entrepreneurship*, 1(1), 12–34.
- Kvålseth, T. O. (2022). Cautionary note about the Herfindahl-Hirschman index of market (industry) concentration. *Contemporary Economics*, 16(1), 51–60.
- Li, Y., Kenney, M., Patton, D., & Song, A. (2023). Entrepreneurial ecosystems and industry knowledge: Does the winning region take all? *Small Business Economics*, 61(1), 153–172.
- Liguori, E., Bendickson, J., Solomon, S., & McDowell, W. C. (2019). Development of a multi-dimensional measure for assessing entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship and Regional Development*, 31(1–2), 7–21.
- Luo, J., & Yang, Y. (2023). Rediscovering the Shift-Share EM2 model: A decomposition framework of unbalanced employment growth at the industrial level. *Sustainability*, 15(6), 5039.
- Mason, C., & Brown, R. (2014). Entrepreneurial ecosystems and growth-oriented entrepreneurship. Final report to OECD, Paris, 30(1), 77–102.
- Mason, C., & Brown, R. (2014). Entrepreneurial ecosystems and growth-oriented entrepreneurship. Final report to OECD, Paris, 30(1), 77–102.
- Mubarak, M. F., Yusoff, W. F., Mubarik, M., Tiwari, S., & Kaya, K. A. (2019). Nurturing entrepreneurship ecosystem in a developing economy: Myths and realities. *Journal of Technology Management and Business*, 6(1).
- Pogodina, T. V., Muzhzhavleva, T. V., & Udaltsova, N. L. (2020). Strategic management of the competitiveness of industrial companies in an unstable economy. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(3), 1555.
- Roundy, P. T., Bradshaw, M., & Brockman, B. K. (2018). The emergence of entrepreneurial ecosystems: A complex adaptive systems approach. *Journal of Business Research*, 86, 1–10.
- Sebastian, K. (2019). Distinguishing between the strains grounded theory: Classical, interpretive and constructivist. *Journal for Social Thought*, 3(1).
- Soto-Rodriguez, E. (2014). Entrepreneurial ecosystems as a pathway towards competitiveness: The case of Puerto Rico. In *Competition Forum* (Vol. 12, No. 1, p. 31). American Society for Competitiveness.
- Spigel, B., & Harrison, R. (2018). Toward a process theory of entrepreneurial ecosystems. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 12(1), 151–168.
- Stam, E., & Van de Ven, A. (2021). Entrepreneurial ecosystem elements. *Small Business Economics*, 56, 809–832.
- Stam, F. C., & Spigel, B. (2016). Entrepreneurial ecosystems. *USE Discussion Paper Series*, 16(13).
- Sumberg, J. (2005). Systems of innovation theory and the changing architecture of agricultural research in Africa. *Food Policy*, 30(1), 21–41.
- Temko, S. (2009). An overview to entrepreneurial ecosystems, Centre for Business Education. Innovation and Development, Geneva, IL.
- Thomson, S. B. (2010). Sample size and grounded theory. *Journal of Administration and Governance*, 5(1), 45–52.
- Trabskaja, J., & Mets, T. (2019). Ecosystem as the source of entrepreneurial opportunities. *Форсайт*, 13(4 (eng)), 10–22.
- Wang, H., Zhao, T., Cooper, S. Y., Wang, S., Harrison, R. T., & Yang, Z. (2023). Effective policy mixes in entrepreneurial ecosystems: A configurational analysis in China. *Small Business Economics*, 60(4), 1509–1542.
- Wennekers, S., & Thurik, R. (1999). Linking entrepreneurship and economic growth. *Small Business Economics*, 13, 27–56.
- Xu, Z., & Dobson, S. (2019). Challenges of building entrepreneurial ecosystems in peripheral places. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 8(3), 408–430.
- Yuan, X., Hao, H., Guan, C., & Pentland, A. (2021). What are the key components of an entrepreneurial ecosystem in a developing economy? A longitudinal empirical study on technology business incubators in China. *arXiv preprint arXiv:2103.08131*.
- Zahra, S. A., Liu, W., & Si, S. (2023). How digital technology promotes entrepreneurship in ecosystems. *Technovation*, 119, 102457.

